























تبلیغ

گواهیها را در مقابل آن روشنی  
ما زیم و به پیرولیتا و با سسسیا ری  
رسانیم تا معاش فانی در حال این  
مستطبه پرورش شود و به سسسیا روش  
پیرولیتا ریا شای داشته با سسسیا  
آنها نیکه از چمنین پیرولیتا و سسسیا  
پیرولیتا میکنند (معدنشان در چسبه  
که باشد) در واقع لیبیرالها را  
در غیر ما مدهی با غنی میکند رسیده  
آموزش کارگران را به سسسیا  
آنها می میرند و سسسیا در گیتی میاید  
روزه میاید رانیده آنها سسسیا  
تکلیبی میکنند که در آن خرب سسسیا  
تفصیل و هر این دمکرا سسسیا  
پیرولیتا شای اند.

شخصیت و طبقه شای  
موسسالی دمکرا تیکه نمیاید در  
معدن و گاردین و ظا یان ما سسسیا  
بر آورده شای سسسیا و ما  
"فلسف و منطق چمنین کار سسسیا  
بیاید شود و سسسیا با میدور و هر  
ما پیرولیتا و هر منظر میاید روزه  
پیرولیتا و شای بخش که سسسیا  
پیرولیتا ریا این تنها طبقه سسسیا  
و اما انقلابی درها همه سسسیا  
برها میشود بیاید کرده سسسیا  
سیال دمکرا سسسیا و طبقه دارد  
پیرولیتا و بیاید ج انحصار فسی  
سود چمنین کار و گیتی را در شای  
هر روز سسسیا و سسسیا  
چا همه سسسیا چمنین در سسسیا  
سوسسالی دمکرا سسسیا نه سسسیا  
و با روزه اقتضای بیاید که ما روزه  
سسیا پیرولیتا و رها را هم بیاید  
روزه می کنند سوسسالی دمکرا سسسیا  
ضای بدستی برای لحظه ای هدف  
شای سسسیا را از نظر دور دارند  
بیاید که ما پیرولیتا و روزه سسسیا  
ایدئولوژی پیرولیتا و سسسیا  
تثوری علمی سوسسالی لیبیرالسم  
ما و سسسیا و اها سسسیا بیاید

از آن در مقابل فتور سسسیا  
با سسسیا کند و هر چه سسسیا آن  
را تکلیف سسسیا ما با پیرولیتا  
ایدئولوژی پیرولیتا سسسیا  
سوسسالی در ایچی که خود را  
در آن استخرا کرده با سسسیا روزه  
کنیم آن سوسسالی لیست شای که  
در ما لا از آنها سسسیا گسسیا  
نقله نظر "طبقه شای" سسسیا  
به این طرز در روزه اندونان  
اندازه ای در روزه سسسیا  
نسبت به و طبقه "ما روزه سسسیا  
طبقه "انتقاد از ما روزه سسسیا  
می نقل و تها شده اند. سسسیا  
نا سسسیا ریا این سسسیا  
پیرولیتا که در روزه سسسیا  
"انتقاد" پیرولیتا ز هر گسسیا  
دیگری ریشه در او اندیده و بیاید از  
هر گسسیا دیگری در سسسیا  
لیبرالها سسسیا و هر چه بیاید از  
گردد سسسیا و این طبقه سسسیا  
این دلیل است که سسسیا  
"انتقاد" یکی از سسسیا  
دمکرا سسسیا سوز و آتش  
آنها سسسیا (سوز و آتش) است که  
در سسسیا شکل میگیرد  
این مخصوص در پیرولیتا

تبلیغ

که این طرز تنها که سسسیا  
است بلکه هر روز از سسسیا  
میاید امروز هم سسسیا  
عوا مفریما. مضا نولید کار  
برای کار و ان و توم عمل  
سرای مردم (ا) را بیاید  
خواهند کرد تا این سسسیا  
را توجیه کنند. اما سسسیا  
این است که پیرولیتا و سسسیا  
اردوی سسسیا در ایچی  
ری سسسیا با شوق سسسیا  
اقتضای ما را شکوفات را  
بیاید که ما سسسیا  
خواهد از رود.

ما روزه "سسیا" است که  
گنا سسسیا "از پیرولیتا سسسیا  
طلب میاید که به هر سسسیا  
دمکرا سسسیا سسسیا  
خواسته های سسیا سسسیا  
طبقه کارگر در سسسیا  
گراسی پیرولیتا سسسیا  
بندارد. سسسیا و آنها سسسیا  
در سسسیا این دمکرا سسسیا  
میاید برای رها شای اقتضای  
برای انقلاب سوسسالی  
طبقه کارگر پیرولیتا سسسیا  
است که در اصول مختلف است  
ما سسسیا در این سسسیا  
تنها سسسیا (تولید کنند) فرده  
هم سسسیا خدی که سسسیا  
گران داخل شده با ما داخل  
شدن سسسیا سسسیا  
آنها ما در سسسیا برای  
سسیا ما سسسیا  
در سسسیا سسسیا  
بیاید طبقه سسسیا  
ما در اردوی پیرولیتا  
گراسی سسسیا  
املاکات لیبیرالی و سسسیا  
طبقه سسسیا  
امروزه پیرولیتا سسسیا

برای ما سسسیا سسسیا  
ضمیمت امر سسسیا  
کنند. اینها در سسسیا  
شان که آتجه سسسیا  
پیرولیتا سسسیا  
هدای سسسیا  
سوسسالی سسسیا  
اقتضای سسسیا  
و تا سسسیا  
معه عمل خواهد کرد  
مشخص در سسسیا  
طبقه سسسیا  
پیرولیتا را پیرولیتا سسسیا  
از سسسیا و سسسیا  
جمهوری سسسیا  
تنها سسسیا  
همه روزه سسسیا  
شای که سسسیا  
مستطبه سسسیا  
سوسسالی سسسیا  
در سسسیا سسسیا  
و سسسیا سسسیا

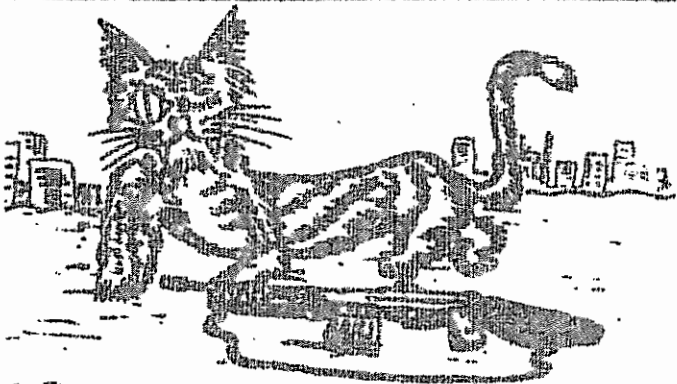
آنها سسسیا سسسیا  
مخرج خلق "سوسسالی سسسیا  
آمده پیرولیتا سسسیا  
بگذارند. درها سسسیا  
تا سسسیا سسسیا  
اینکه به گسسیا سسسیا  
درها سسسیا  
این سسسیا  
با سسسیا سسسیا  
حقوق سسسیا  
یک سسسیا  
ما برای سسسیا  
ما روزه سسسیا  
ما سسسیا  
مخرا سسسیا  
سوسسالی سسسیا  
روی سسسیا  
حزب پیرولیتا ریا با سسسیا  
تا سسسیا  
سسیا سسسیا  
مجله سسسیا  
دادا سسسیا  
اوبه سسسیا  
ایمکرا سسسیا  
اول سسسیا

د. م. جوانا شای که سسسیا  
و ایچرم سسسیا  
قدرت پیرولیتا سسسیا  
تا سسسیا  
کارگران و سسسیا  
سرای سسسیا  
قراردادها و سسسیا  
فصل آن سسسیا  
گروها آنها سسسیا  
برای کارگران سسسیا  
ایچه سسسیا  
در سسسیا  
دره سوال شروع و سسسیا  
ارتقا سسسیا  
میگیرد سسسیا  
اقتضای سسسیا  
سسیا سسسیا  
در آن از سسسیا  
نیاید سسسیا  
راهی که سسسیا  
پیرولیتا سسسیا  
چرا سسسیا  
پیرولیتا سسسیا



# اندوختن افاضات بدیع و اندک حکایت و فایز ظریف

## کتاب خزینه !!



آقای باغری کفی، قائم مقام کمیته های انقلاب اسلامی (ویرا در "مهدرضا" مهد صدوی کفی) در بهاره را همیشه شایسته هود را با این معیارها گفتم: "در روزگاری های اغویسیر با ره بود بکده کمپشه ها حق غلبه سنگ ندا شهنشولی معلوم نشده کسسه گدا مینا واگن و نهاده انقلابی بسا املعه کوری بکلی دونفسر را بتقل رما شده است." ما شکر میکنیم که اگر ایشان فعلا بسا سر ادب در شهر بهمان (بمفلسی

"مهدرضا" وزیر با هیستنی سبوی متورس که بوده بودند، ملتعت میشدند که این قتل ها هم، مثل دیگر جتا با با از انجیل شکنجه و بسبب گذاری و غیره، نه گنا رنگی بدعتی ها است و به کار ما واگن ها، بلکه ردهای ایس هیوان مفوس و در بهم زن این سقرن بندهم نفس و بسا طسوق، یعنی آقای گریه، در خنا بات اغویسیر، بلا هو بود است و هشتم اوست که ما بحث و با می تمام ایس اینجا بچ گفته است.

## آزادی صیانت اسلام و مسلمانان

شروع شوب تمام بسالدارا بر اگر گفته است، توسطه و بسای از هموسر باشند، بکنند و اسواج دسا کمن منا شلمس و کفا ریسر بهنگر استوار دولتت مکتسب و انقلابی برادر محمد علی رجا - ش (افصح) لمتکلیم بسن و افضل الفضا نظیرین) فرود بها آمد، از یک سو گریه های خا گسزوی و مباد و دستا شوی و غیره دست اندر

کنا رفتل و غارت و کشتن سار و شکنجه و سحاق و تفرقه افکنی بین شعبان و سیمان و سرما - بان و یهودان هستند و از دیگر سوا یعنی که سه سبوه بسوا رچ بهر سینه اند، غلبه غم انیسای و سکر را غلبه صرت دگتر میهنی و آقای سهندس سبوی (ا غلا شهم الله لیمنه) مینس بر سیر افخن به همائل "نا مهم" و نیات افخن

هرنگه، بلاوقته در تمام بسندت مشمول اینجا مینا با تا اندر با ب فضا با ی نا مهم هستند، حال که دولتت مکتسب از رفیع و رجوع مسائل سربوگ بسندت میمانان آ سربوگ شمسوی ر دادخواهی شرکت های سر ادب آن سمان فبا رخ گرد بسنده و اخیرا هم بس از ما ها سرف و رفت و بدل معلومات موبق شمسند ما لاجحه فضا م را که سربوگ به فضا با ی سبوه (ما شند عذرا و لواء و شوب خسرو بسنگ سبار و تاز با نه و ترا شیدن سرو غیسره) میگردند و تدویس نمودند و بسنه عبسنت و سبارکی تمویس بسن مجلس دادندا پس از تصویب

با اجرای آن ریشه اصبر بسا - لریص و استکبار از مملکت کسست کوما و بسا به ا جا نب از سر ما دفع کرده، هود آن است که برای تکمیل خدمت و کسب سر است به جمع آوری و اغویسیر گریه ها (از هر طبقه و قشر سبوی) چونکه ها و ما شین حساب بسا از هر ما رکا و رقم بسندت، تا بسا حضرت خدا و شدمان بهنگر بسا ر برای همیشه با این ریشه های کشیده، استهما روا استکسار و استعمار در این بلاد بسندت بخون گرون، انصاف الله.

## نوشته و پهنش

هفته گذشته ما نوشتم که ۶۰ میلیون دلار تا با بسن، خوجی یک ساله، اهالی بسزد است، طی این یک هفته میل شاعدها بود که از سوی مسردم بزد نظارت ما سوا ز بسزد کسسه جمعیت شهر بسزد ۲۱۹۱۲۵ هزار نظرت بسنت، بلکه این بسندت سربوگ به استان بسندا بسندی ۶۰ میلیون دلار خوجی یک ساله، اهالی استان بسزد مینا شد! ما را سوا طرا بسن اختیا دخوا ایتمینفید.

شما، مملکتتان و ما در و پسران شان بشوند، من برای کمک بشا پولی مدارم تا تقدیم کنم ولیکن چند لبه ای هست که دختر مد و فضا است، این لبه ها را برای عروسی و سیرما ش ریختن در دست گردید که فقط از لبه ای عروسی استفا ده کرده و همه را بسن داده، هشتم آنها را بشما هدیه می کنم شاد دختر.

## نامه یک مادر پسه

ما زمان انستا دیده که سوت میبضیای ایران در و در سیر برادران و طرا - ایران سبارز، من ما در همسار سرزند بسنم، که آنها را شندیم انها دیده کرده ام، همسر بس یک رحمتگن مثل همه زمینگن بس دیگر است و ما خا سرا ده بسول - ناری بسنم، انشا الله روزی سرمد که سرزند انما کت سربا بس

## حسب رابه میان مردم بی یارانه!





# در آستانهٔ عید کارگری، حزب جمهوری به کارخانه‌های گیلان یورش می‌آورد!

هنوز هم برگه شقاها را مرقمی، که بی‌روی عزیز مسئول گماره گزینی در دفتر این کارخانه به چشم می‌گردد بر زبان آیدانی - فارسی نوشته شده است. این همان شقاها و شوقی و نه فریبی آقا پسران به اصطلاح.....

در این کارخانه مستطاد مهندس برای کارگران خرابی که چند سال در این جا کار کرده است و همچنین کارگرانی که بهنا حساسیت در زمان عیاد گرفتار آمده بود، زنجیرها و چرخها بسته! اورفا بیت - نا معین این کارخانه مرا حمله کرده هیچ حاشی نیست ولی برای یورش می‌ها و مکتبی ها که برای اخلال و تفرقه جاسوسی می‌آید همیشه هست.

## کارخانه فرشی گیلان

یکشنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲ - قبل از شروع و داغ شدن دستگاه بود و بزه که می‌آید ای حقیقی و بیرون کارگران است هوا حساسیت است تا در از داغ و داغ کارخانه سبی داشتند که برای یورش فرشی مدبریت این کارخانه کارگران را در صحنه و آلت دست خود قرار می‌دهند، کارگران نه تنها قربانی این شوقانند بلکه مسئولین استان (مخصوصاً انصاری استان گیلان) با استیلا از میانه و قدرت مطلقه خود هم شورا نیست کار را از پیش برده است اینگونه بعد از چند روز یکی از عوامل حزبی این آقا بی‌ن به عضویت مدبریت کارخانه مقرر می‌شود، کارگران در مقابل این فصلی که آن را در کارخانه مقرر کارخانه می‌دهند استیلا و چرخها بسته می‌کنند. جمهوریگه انصاری با لختی با نشانی از میانه گرفتار است تا همان کارگران در کارخانه حضور پیدا می‌کنند و بیانات شقاها می‌گردد میان کارگران و جنبه سنگی که وجود داشت با هت گزیده است عمل به نتیجه دست شهرتگردی شریک‌های برای می‌آید آینه‌ها نماند و در رابطه با مسئله سود و بزه‌ها در کارخانه در روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه ۱۳۶۰/۱/۲۲ با خواست شخص دریا آب سود و بزه شکل جدیدی بود گذشت.

## خبری کوتاه از رامسر

بدنهای درگیری های را سرد در روزهای پسروردین یکشنبه از هواداران می‌شدین بنام خیرالله آقبالی که در کارخانه مقرر شده بود به بهانه رضان شصت و شصت منتقل گردیدند که در آنجا به زندان مقرر و با رعایت در گذشت. سپس حدودی توسط افراد حساس به بهانه رضان می‌آید در آن منتقل گردیدند که در سرخانه آنجا نگاهداری می‌شوند تا اینکه پس از اطلاع این موضوع دهه ای از هوا - خاران می‌آید در این مآذران در جلوه این بهانه رضان جمع شده و خواهان تحویل گرفتارین هستند که کارخانه را با هوا فضا نگرده و با شدت خشم و غم مردم روروشند که برای برانگیزنده بودن آنها اقدام به خالی کردن تیرها می‌کنند از شک آرزو می‌شود و منظور و آینه در کارخانه می‌آید از بهانه رضان ها راج شده است. در همین روز پدر شریک استنکی شده (توسط افراد میانه) در سراندرش نیز هنوز شکست شریک است.

با درگیری‌ها مل و دستجات حزب جمهوری اسلامی در آستانه فرار میدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز چهارم کارگرهای باسکوگویی از تشکیل کارگران و همچنین اینجا دستورات و دستوراتی در میان کارگران این بی‌روی همیشه انقلابی، با حساسیت و بهشت کارخانه بی‌مصرفه با مداران و چرخها و فرافرا شدن کارگران می‌آید برای معاصره بی‌مصرفی اینسانی عملاً می‌آید که کارگری و وظیفه خود را به عین می‌گذارد. اکنون چشمه نمونه از این یورشها را در ذیل می‌آوریم:

## کارخانه ایران الکتریک

یکشنبه ۱۳۶۰/۱/۲۰ - در کارخانه ایران الکتریک قبل از رسیدن سال جدید مدبریت قیامی این کارخانه به نام یورش حزبی (مترصد بهر) به دستور و مقرر (رئیس هیئت کارگری گیلان) از کارگران اروپا می‌آید شش نفره (از مکتبی حساسی سقا و رضا صدا) با بین صحت منصوب شد. وقتیکه در جلسه کارگران این کارخانه خطت اسراج مدبریت قیامی منوال شد، در هوا با گفته شد که مدبریت قیامی طاقتی بود. سایر بیت تازه که گویا در عرضی را چون قیامی خوب وارد بود از زمان روز اول با تحسین امروا شده های بیرون کارگران شروع به مفاصلت کرد. روی حساسی از شقاها کارگران که می‌خواهند به کارگران تدبیری و بیسی اسرا این به صحت های عالی انتقالی داده شوند و برای تکمیل می‌آید قیامی خود تدبیری جای شما بیست بیست گفت کرد و معلوم شد که کمبود را از جای دیگر می‌آید و در آنجا این افراد تا نزدیکی نماند؟

معلوم است این افراد جدید هم از اوقات هما قسدا ران و شقاها شده اند از برای استیلا ران گیلان می‌آید شند که برای جاسوسی و تفرقه انداختن بین کارگران و همچنین شناختن عمده حساسی می‌آید و بیرون می‌آید کارگران و بهر می‌آید آنها به آثای حساسی می‌آید کارگران. تا این زمان هم مدبر این افراد را می‌خواهند و اگر هم اعتراض بشود خراج این کارگران، فوراً با صدایان در کارخانه را بسته و کارخانه را تعطیل می‌کنند. علت این امر را هم اگر چه بی‌شوری می‌گویند، اما عمل شوق و شرب در کارخانه قابل می‌گردد. ما بهر و شقاها "نه شوقی نه فریبی غمخیزیم. حال بی‌مصرفی در این کارخانه بگذرد این شما و رعایت پیدا می‌کنند.

همچنین لختی این یکی از میانه ران شده این کارخانه که در دفتر مرکزی تهران کار می‌کنند و به کارخانه می‌آید مهمی شد که با یک شرکت آلمانی شریک است هنوز هم با و رانندگی می‌آید کارخانه را به شراکت آلمانی وقفه می‌آید و بهر قیامی شده است و آدرس و شاکتین بهانه لختی می‌آید.

هنوز هم در آستانه یورش این کارخانه می‌آید. اختتامی لختی از آلمان تهیه و ارسال می‌شود. هنوز هم بهر مدبریت کارگران این کارخانه یکی از اعضا شورای انقلابی و از بهانه رضان شده است. این کارخانه به آلمان می‌آید شریک است (بقول خودشان) کارگران را شیره سیکا می‌آید و می‌آید این شریک می‌آید و این است و به نفع کارخانه می‌آید (!)



## گزارشی از مجتمع پتروشیمی شیراز

(شوکت زمينه)

استانداري که دستش روي شده بود دست به حفاي ديگر زد و گفتم شما خواسته ها يگان را بشويد و بدها را روي کا رسيا و بديتا رسيدگي کنم. کا رگران که از اس ضدکا رگران نفرت داشتند با غيبت او را بيرون انداختند.

شورا که تاکنون در مقابل توطئه هاي کا رفرما سکوت کرده و ميگفته تحت فضا و فرا رگرفته و به حال خود بگذرد چرا که افتنا دوپسه پيش "غدايي" اما مجمعه" تزيبي و ارتيا مي نرود تحت رفت . بسمد از مطرح کردن ملا مثل "غدايي" گفته بود که کا رگران ببا بنفديو از صندوق قرض الحسنه" من براي شب عيدتفري ۲۰۰ تومان قرض ميگيرند!! مي بينيد که چقدر توجيها نه و بي سرما نه به کا رگران نوهين ميگنند. اين مرتجعين کا رگران را حادقه بگير خود حساب ميکنند. کا رگران ما يدحق اينان را کف دستشان بگذارند! در ضمن شورا نيز تصميما تش نه بر مبناي خواست کا رگران ، بلکه با مشورت دست پروردگان کا رفرما است و از کا رگران فقط بک نفر در شورا بود که عمل آنان را افتنا کرد و گفتم که در جلسات و بحث هاي شورا مراد دعوت نميکنند و خودشان با کا رفرما تصميما ت را ميگيرند چون ميدانند که من مانندا آنها خود فروخته نيستم. اين شورا خوراي کا رگري نيست چون حا مي سرما بسسه ا را ن و کا رفرما مي باخذ.

بهر حال بعد از توطئه هاي زيا ديبراي سرکوب امتصا با دست به هر چه ديگري بردند آن شرقيه در بين کا رگران بسود. هدهاي از عوامل کا رفرما که در بين کا رگران بودند بسسه تيليگرافت پرداختند که شما ها فرو شويد همين ۱۵ روز حقوق را بگيريد دولت در حال جنگ است و امکان دار دهه بين هم گيسر مان نيا يد و غيره. اين حرکت با عث شد که در بين شهادي از کا رگران نا آگاه تزلزل بوجود آيد و کا رفرما با استناد به از اين حربه و فراگاري شورا موفق شدا اعضا با را بشکند و آنها به نيا مت مشوم خود رسيدند و هر چه بيشتر دسترنج کا رگران را به هارت ميبرند. گرچه مبارزه کا رگران اينجا ربه بيروزي نوسيدولي اين مبارزه نظا بچي براي کا رگران داشت که با يد در مبارزه هساي آينده بگا رگرفته شود.

اول اينکه رهبري صحيح وجود شادت که بتوا نند کا رگران را در مبارزه شان رهبري کند: دوم اينکه بدون اتحاد دو همس بستگي بين کا رگران نميشوان مبارزه را به آخ رساند. سدهون شک. اتعا د بين کا رگران نفش مهمي را در مبارزه به عهده دارد. و سوم اينکه کا رگران در اين مبارزه چهره" عنا مر ضدکا رگسري و طرفدار سرما به دار از جمله شورا را شناختند و در مبارزه آتي خود شما بدر بيب اين عنا صر ضدکا رگري را بخورند.

پيرو زيا دمبار زات کا رگران  
مرگ نيرو امريکا ، دشمنان اولي مسا

بک کا رگرسوا دار



مجتمع پتروشيمي. شیراز در ۲ کيلومتر ي سرودشت لسارس قرار دارد. کارهاي ساختن اين مجتمع توسط شرکت زمينهس آنها م ميشود. شرکت زمينهس حدود ۳۰۰ کا رگر دارد. کا رفرما ي اين شرکت در مجتمع مهندس درختا ناست و مدير کل پروژه هاي در تهران مهندس گلپا شي است که هم دست و همکا رلاچورد ي بنا واکي و ديبريا - ري که هم اکنون فراري است. ميپا شد. کا رگران زهتکشي اين شرکت از در ماه قبل با شورا و رئيس کا رگا هيسر سر مشقه" ميسدي و با داش هر بک هفته در بيا در جمع تشکيل ميپا دند. در مشا بسسسل خواسته هاي کا رگران از طرف عوامل کا رفرما جواب نسر پالاده ميشد. تا کا رگران بر شدت مبارزه افزونديد دست به اعتصا با زدند. ۵ روز پيش از عيد آقاي درختان به دست و پيا افتنا فرو روانه" تهران شد تا دستور بگير دوبه صبا ب خودش به خواسته هاي کا رگران رسيدگي کند! با رفتن او کا رگران مجمع تشکيل دادند و از صبا پنا شوکت خواستند که در جمع آنان حا شر شود (توضيح اينستکه صبا پنا براي خوابا ندن مبارزه کا رگران فضا قول داده بود که حقوق اشند و پيا داش عيسرا ۵ روز پيش از عيد پرداخت کنند) صبا پنا رگفت که من هيچ قولي نميدهم و زير هر شهاي خوش زد و عملا طرفداري خود را از کا رفرما نشانا ردا دوکا رگران به صا کيست. لندکا رگري او پي بردند.

کا رگران ميگفتند اگر حقوق و پيا داش پيش از عيد بگير مان نيا پيا اعضا با را در کا رخانه ادا به فرا هم داد. مهندس درختان بگرو ز قبيل از هديه کا رخانه ادا بدو در بين کا رگران که بسسرت نشسته اعضا با كان ادا مه داشت گفتم که فقط ۱۵ روز حقوق پيا داش به صبا ب رخصه امو ديبران صا هنگي دولت تصمصا بسس گرفتند اينکه به کا رگران بهزي تعلق نميگيرد چون در حسابال جنگيم!! آري دولت وکا رگزارانش همه" حقوق و خواسته هساي بروحق کا رگران روز جنگشان را به بهيانه" جنگ سرکوب ميکنند. با پيدازا جنا ين بزميد که چطور فقط وقتي نيوت کا رگسسران و خواسته هاي آنان ميرسد در حال جنگيم. ولي براي بسودجسه" سفرهاي چند هفته اي حا منهاي ها و رخصه صبا سي طا و فارسي هسسا که براي تيليگراف خودشان صورت ميگيرد. در حال جنگ نيستيم!! جالب است که قبلا دولت گفته بود که به حقوق زير ۷۰۰۰ تومان فلوري پيا داش خواهد داد که با حقوق و پيا داش به ۷۰۰۰ تومان برسد و حالا با ۱۵ روز حقوق عوامل خودکا رفرما و کماني که پالاد ترا ۷۰۰۰ تومان حقوق دار شد ۱۵ روز پيا داش ميگيرند و همسسا کا رگرافي که زير ۷۰۰۰ تومان ميگيرند. به اين ترتيب بسسلا حقوق ۲۰۰۰ تومان ي ۲۰۰۰ تومان پيا داش دارد و... الي آخر.

بعد از اين مريان و شيس ادا ره" کا رونها پندده استا ندا ري به کا رخانه اعتضد. صا وقتي که کا رفرما آنها حضور نداشت مو - نها نه ميگفتند که صا از کا رفرما دو ماه حقوق را خوا هم گيرد و به شما خوا هم داد. ولي وقتي سر و گشته" مهندس پيا داش هسره جسسه او رسيدگي آنها نم تا شه ميگردد. چهره" اين عوامل شدا نظا بسس کا ملا براي کا رگران مخصص شد. صا پندده" دولت با اصطلاح طرفدار مصاصفين از سرما به داران دفاع ميکنند. نيرو از اين همسسا نمي شود انتظاري از اين دولت داشت. بهر حال نما بسسسه

# گزارشی از تظاهرات حزب ارتجاعی حاکم در روز کارگر (گرماشان)

طبق معمول " سنا دبزرگداشت روز کارگر " ی از مراسم حزب تشکیل شده بود و از چند روز قبل در راه دیو و تلویزیون تبلیغ میکردند که بیاید کارگران به مناسبت ۱۱ اردیبهشت و هشتاد و یکم شهری تظاهرات کنید. حتی گویا اما محمد ( انرفی صفها نی ) که از عوامل حزب است ، خودش شخصا با کارخانجات تماس گرفته و با تهدید و تحطیع کارگران را به راهپیمایی دعوت میکنند. در بعضی کارخانجات ما چند پشمیانی کشمیر کارگران میخواهند که در خود کارخانجاته جشن بگیرند که مانع میشوند. بهرحال نسبت از ساعت حدود ۸/۵ صبح جمعیت کم و بیش در خیابان اصلی شهر که قرار بود راهپیمایی در آن انجام میگردد ( از مسجد پروردگاری تا چهارراه مدرس ) به چشم میخورد ، ولی نه خیلی زیاد. ماشینهای بلندگو در رتبه ای بیوزر و آژیر صاف و مردم را به تشجیل و جمع شدن در مسجد پروردگاری تشویق میکرد. حوالی ساعت ۹/۵ راهپیمایی شش حرکت کرد ولی تعداد راهپیماییان شاید ۵۰۰ نفر بود ( بین ۲ تا ۵ هزار ) .

در جلوی تظاهرات صف چند صد نفره کارگران شهر را رهبر داشت و در واقع با بدگفت بدنه اصلی کارگران شرکت کنندگان همین چند صد نفر کارگران شهر داری تشکیل میدادند. آنها را گفته بودند تا گلهای کارگران سفید و آبی ( ایمنی ) بر سر بگذارند ( شاید برای اینکه کسی در کارگر نبود نشان شک نکنند ) در حالیکه میدانیم این کارگران هیچگاه موقع کار از کلا ایمنی استفاده نمیکند. در قسمت های بعدی پرچم و شاره ها و شوراهای انجمن های اسلامی کارخانجات پشمیانی کشمیر ، چند بیستون ، شرکت زمزم ، سیمان غرب ، گروه صنعتی غرب ، سردخانه شین ، گونی بافی ، طاشه سازی ، و چند کارخانه دیگر وجود داشت. اما جالب توجه اینکه در پشت این شمارها کارگر زیادی دیده نمیشد. مثلا در پشت شمارها کارخانه کشمیر که از کارخانجات بزرگ گرماشان است حدود ۱۵ نفر به چشم میخوردند. بقیه کارگران شرکت زمزم میگفتند از هزار کارگر بیست نفرشان هم نمیدادند. بهرحال نسبت به غیر از چند صد نفر کارگر شهر داری ( که عمدتاً شامل افشار و نقیب نگهداشته شده کارگران اند ) شاید ۲۰۰ نفر کارگران کارخانجات دیگر نیز شرکت نکرده بودند. این هم از درجه اشتغال کارگران کرماشان به عزیمت های برگزیده رکننده روز کارگر. شمارها عمدتاً ضد انقلابی و مزخرف بود و آنچه نیز برای خالی نبودن عریضه اسم کارگر و بزرگترین به گوش میخورد. البته این شمارها را نیز عمدتاً کارگران بلکه دیگران افشار شرکت کنندنده در راهپیمایی ( که اکثر آنها همان حزب الهی ها و گروه " شیت " و ... ) هواداران بودند ( با جدیت میخواندند. شمارها اکثریاً اینها بودند: " فدایی ، منافق ، خانی آمده کجا بیسی ؟ " ، " فدایی ، منافق ، عامل آمریکا بی " ، " فدایی ، منافق استیغاب مل بمب گذاری " ( که تا ره بود به واقع به بهب گسادی در شهر در میدان کار آزادی - که منجر به گفته و خروج شدن آنها نشدند و در حقیقت آنها را کارخانجات و بهشتها روح شادان است یا کار همین حزب الهی ها برای سرافرازی است و از جوا بیساده شده ) ، " فدایی ، منافق ، روز کارگر کجا بی " ، " حزب الله

بعضی که روح الله در سخنرانیها میگوید ، " حزب فقط حزب الله و غیر فقط روح الله " ، " تا حزب الله موجود است ، خدا خداست ، بود است " ، " اسلام پرور است ، چه و راست تا بود است " ، " کارگر ، کارگر سلاح تو کارخواست - کارگر ، کارگر روح خدا را دوست " و بعضی شمارها ، دیگران زما در مورد جنگ و صلح صدا میآوردند و ... خبری نبود. لازم به تذکر است که " اکثریتی هسا " گویا آمده بودند که در این راهپیمایی شرکت کنند اما چرکیان که با " مرگ برلدا بی ، منافق ، ... " شروع شده اند نسبت به جمعیت و با سکوت بر راه افتادند تا میدان " خرید پرور آزادی فدای ما بیست " حزبی را بشکند! در همان اوان راهپیمایی بیسار و تکرار بسیار شدیدی با رییدن گرفت که تا حدود بیسار بی راهپیماییان تا منظم را تا منظم تر کرد. قرار بود در چهار راه مدرس آقای با حضور برینا محترم آموزش و پرورش سخنرانی کنند و نمائند جماعت برگزیده کارخانه با بارش تکرار و از ترس نمیگفتند مفید مفید سخنران ، سخنرانی در مسجد ما مع شمس بر سر سوزگسار از شمس ، البته تا آنجا شده اند از بیای عمل را ترک کرده بودند و بیش از ۳ - ۲ هزار نفر در مسجد نماز شده بودند ( اکثر آنها هم بیسار بودند نسبتاً منظم است ) .

با ری این تظاهرات با دیدگانشان دادند که حزب ارتجاعی حاکم در شهر و کشور در بین مردم زمینگش و بیخصوصی کارگران جای بی ندارد. بسیاری از مردم و پها کارگرانی که بیزور به محل آورده شده بودند کناری ایستاده و حتی گاهی با تصغیر به دستجات " حزب الهی " که رقص کنان شمارها و آنچه بی خود را میدادند بیسی - نسنگر بیفتند.

ترکیب شرکت کنندگان هم نظری که ذکرش وقت کرده گذران ۹۰% کارگر ( شامل کارگران شهر داری ) و بیطیافا بیسار شده - پرور و بیی معصل شمارها را رو کسب و ابر همین ها بودند. حدود ۲۵ تا ۳۰ جمعیت را نیز از آن زبور شهری " خطران بیضی " حزب جمهوری و هم دستان اکثریتی آنها تشکیل میدادند.

**بجای کارگر**

بقره از صفحه ۸۸

است که خا شنین و مرتجعین میدان دار گو شده اند؟ سال گذشته ، ستای شده ایهای خا شنین هیچگونه رنگی نداشت. سال گذشته کارگران مبارز و پیشرو خودشان در هر چه میدان بودند و بیسی اعمال گرفته گیری و بیی توجهی را اکثر بیفته کردند. آیا ایسین حرکت غلط بیما نگران موضوع نیست که ما کارگران نسبت بیسه وظایف و مسئولیتهای بیان بیی توجه و کمالات هستیم؟ آیا این بیس قدمی رو بیرون نیستها هتادری نیست برای همه ما کارگران جنبه را خالی کنیم ، خا شنین بیی همه چیز با واقا هت هر چه تصا متسر جای ما را برخواهند کرد؟ بیی است . بخود آیم و از هم اکنسبون خدارک سیاسی و تشکیلاتی عراسم اول ماه سالهای آیمسده را







ما اعلام کردیم  
تاریخ حقیقت  
انقلابی در ایران

### بای صحبت مشهدی ابراهیم بی

#### اهل روستای بند آهوی گریال ...

مشهدی ابراهیم پسر مرده دلفتن دسالهای با چهره ای آفتاب خورده و چروک زده و ریش دستهای کلفت پهنه بسته است. با وجود اینکه مینی از او گذشته ولی هنوز بازوهایش توانایی کار کردن دارد و کار میکند. مشهدی ابراهیم اهل روستای بند آهوی گریال است. مرودشت است. با جازه بدعهدی و شریعتی بیشتر را جمع کرده است. ابراهیم تا در مشهدی ابراهیم را بیشتر درک کنیم. ابتدا مهر ده سر صیزی است که از آن روزهای حاکم خیزی امانت گرفته است. او در وقت و وقت و در وقت آب گریال روستا میگذرد. ابتدا مهر ده رای ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار خوش نشین میباشند که قسمت اعظم خوش نشینان از روی کار کردن روی زمین امرار معاش میکنند. تعداد ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ خانوار دهقان کم زمین وجود دارد که حدود ۱۰۰۰ خانوار است. آنها بعد از انقلاب ۲۷ مومن مقدار زیادی زمینها را که از دستها قبیل مال خودشان بودند و مالک بزور آنها را تصاحب کرده بود. دست آوردند. این دهقانان حدود ۲ تا ۳ هکتار زمین دارند که دهقانان هکتاری تعداد کمی از دهقانان را شامل میشوند. در مالک همه آنها زمینهای حاصلخیز و وسیع این روستا را در اختیار دارند که مظهر آنها از یک خانواده دیلمی و یک مالک مریزبان پناه صریح است. خانواده دیلمی رو به هم ۶۰۰ هکتار از زمینهای حاصل بخیر را در اختیار خود دارند و مالک دیگر حدود ۳۰۰ هکتار زمین در اختیار دارند. بر گردیم سراصل منگسبت. مشهدی ابراهیم از گذشته های خیلی دور قبیل از اطلاعات ارضی که چگونه مالکان زمینهای وی را تصاحب کردند سخن میگفت. او میگفت: "مدرکهای بعضی بعضی دیلمی سابقا پیش از اطلاق است ارضی بیشتر زمینها را که مالک است از آن اهل دیلمی بودند. مریزبان و ولی بعد از مدتی مدعی سروکله شان پیدا شد که همان زمان تاسیب را با خود آوردند و با خرج پول زیاد از طرف دیگر اعمال زورگوشی دیگر دهقانان نمیشود. ملاحظاتی آنها تا بسیار است. مشهدی ابراهیم در باره "اطلاعات ارضی" شاه میگفت: "چیزی بنام اطلاعات ارضی در این ده صورت نگرفت. زیرا مالکین با پول و با رتی مانع از تقسیم زمینهای اینها شدند. در عوض مالک رگمی زمین که شاه تعیین کردی بسیار بد داشت و زیاده مریزبان نبودند. تقسیم کردند." مشهدی ابراهیم ادامه داد: "به من و پسر من فقط سه هکتار زمین دادند که در یک ده دیگر بنا کردیم. دوا فاع شده است که تا چند مهر با طایفه ای زیاده دار که مالکین از این سه هکتار زمین نگذاشتند و یک هکتار آن را به زور پس گرفتند." مشهدی ابراهیم از مالکین و فوضولها دل پر خون داشت. او میگفت: "به خونشان (مالکین) نشانه دست زیرا که مریزبان را که ۲۰ تا ۳۰ نفر با بد بفرستید که همه دستهای بی همه چیز که تا حالا یکبار هم پول نزده اند و هیچ پسر از کشاورزی سر در نمی آورند. می فرزند." مشهدی ابراهیم در ادامه صحبتش از جنگی از دهقانان بیشتر و انقلابی بنا میسازد.

نمیردند که بطور حاد و نا پورخان ما لنگ بر سر زمین آمده بود و همه حیدر و همین کرده و به او گفتند شما فقط پول میگویی و دیگر هیچکاری انجام نمیدی. حیدر در جواب گفت: شما مریزبانگی گسسته دارید از دستریج ما است. شما ما این زمینها با خون ما آبجاری میسازد. آنوقت ما زحمت نمی کشیم!! و سپس به شا پورخان گفته بود: "به همین زودی شما را از این عمل کم میکنیم". مشهدی ابراهیم خیلی از حرکت حیدر و تصرف میگردید و تمام تکلیف اش این بود که اگر شما مردم بنده صبر کنید شوند. نمیتوانیم شرتما ما مالکان را کم کنیم. مشهدی ابراهیم خیلی از حرکت روستای قریبا ننگ گسسته بالی روستا پشان قرار داد تصرف میگردید که با یکبار چگی نصبت اعطاز زمین های مالکان را تقسیم کرده اند. مشهدی ابراهیم فقط نصبت از بدست آوردن زمین نمیگردید بلکه بیشتر از روی گوسا ه کردن و مریزبان را سدن مالکین ملاحظه فرموده بود. مشهدی ابراهیم میگفت: "مالکین سائل زالد هستند و هر چه بیشتر با شند خون ما را بیشتر میخورند."

این حرفها فقط حرف مشهدی ابراهیم پسر مرودشت است و رنج دیده نصبت بلکه حرف هزاران دهقان کم زمین و بی زمین روستا بی است که برای نابودی فوضولها و مالکین روستا می میکنند. شما مریزبان که کارگران و دهقانان با اتحاد خود بساط تمام مریزبان را بر زمینها و روزهای انقلابی مشهدی ابراهیم را با همه عمل میروشانند.

### گزارشی از برخورد زحمتکشان به آوارگان جنگ

روستای دولت آباد گریال مرودشت در ده کیلومتری شیراز قرار دارد. حدود ۱۲۰۰ خانوادده عرب از روستا هستند. اطراف آبادان در این روستا منزل دارند. مردم دولت آباد این زحمتکشان آواره جنگ هدام مریزبانها روستای هستند. آورده اند و بدون دریافت هیچ پولی آنها را در خانه های گسسته خود جا داده اند. زحمتکشان روستای دولت آباد که در روستا شیان زحمتکش و پیرا در روستای خود را به خوبی احسان میکنند از هیچ کمک و مساعدت دریغ نکرده اند. درجا بگریز کردن این خانواده های آواره جنگی اهالی روستا با دادن بیکو زیاده و آنچه در قدرت داشتند کمک کردند. بعضی از جوانان روستا بسمه جمع آوری برنج، مای، قند و دیگر مواد به نیاز این آوارگان پرداختند و در روستا تا چندی مشغول پختن نان معطی برای معضات جنگ زد، در روستا بودند. در زمستان روستا کمترین دولت آبادان و در به جمع آوری هم برای آوارگان هستند. کردند. در شور و زانی روستا بویله ما ز دیدن تبریک سال شو دادن مهدی به هیچ های عرب شور و شانی آنها بیت مخلوخت نمود را نشان دادند. در روستا اگر کاری با شما مثل مسائلی می شود از جنگ زدگان کارگر بگیرند و خود خوش نشینان که از جنگی رنج میبرند شما شوند. در آن آوارده خود را که در وضع بدی قرار دارند در خانه های خود یا نزد کارگر روستا. در این روستا بحال حسرت همگاری و دوستی بین زحمتکشان عرب مریزبان و دولت آبادی دیده نشده است و کو چگونگی در احوال مریزبان مسامحه ای رخ نداده است. با وجود اینکه عده کمی آوارگان ها و مریزبان هستند ولی همان اهل و دوستی بی دولت آبادی ها و مریزبان بی های عرب مریزبان است که

(بسیار در صفحه ۶۶)

**نمونه ای از برخورد روستائیان زحمتکش  
 به  
 شهیدای وطن**

روستای مادر مقربان کد در ۷۰ - ۵ کیلومتری شیراز در  
 حوالی نخت جمشید قرار دارد در ۱۹ مردودی تا حدیک بزرگداشت  
 و ششبع هزاره با شکره از سلیم شیروانی ، خهبر را عا منتقل  
 و اعتدال بود . مردم زحمتکش روستا از بسیار دها تا اطراف سسه  
 مراسم تشییع عمارت آمدند و شکره بزرگ به مراسمها دند و روحیه  
 با نوا ده سلیم را بسیار بالا بردند . ازها در آبا مردم دانش  
 آوران آمده بودند ، از روستای مبارک آباد ، امچوردی ، دشت  
سوز آمده بودند با یکی از استقلال طلبان و داع کنند زن و مرد  
 روحانی کودشول که مراد و در طمان عا ردا زده همه کس را حاده  
 برای احترام به نام آمده بودند . از روستای مشهد میرقاب هستم  
 آمده بودند و دانش آوران با دست گل و اجری کر " به یاد شهیدای  
 حورستان " اعلام قدر دانی از سلیم کردند . و کارگران شوکت  
یک ریگ با دوا توپوس مطوا ز کارگران با دسته های گل آمده  
 بودند و در فقدان سلیم چون برادران بی تا بی میکردند . از  
سازیت آباد ، کیلومتری مادر سلیمان هم مردم آمده بودند از  
 ارحمان هم آمده بودند با این همه مردم مراسم تشییع حسی سا زه  
 تبدیل به نظا هرات و شام و بر علیه رژیم منجا و زهدا و متطلبان  
 شهدا بخشونی سلیم شیروانی شده اند " سلیم شیروانی گل سپهر  
 شهدا ، شهدا دست مبارک " آنچه ای همه مردم زحمتکش روستا را  
 به مراسم گنا نده بود علاقه به وطن و استقلال را هنرا همه کس  
 که در راه حقیقی خون سده بود . روحیه خان نوا ده سلیم همیشه  
 بالا آمد و شهدا دست فرزندان و برادران سلیم را افتخاری برای  
 ما نوا ده ها میدادند .

" باران دهقانان انقلابی حسی ساس "

**سلیم شیروانی سر باز وظیفه در دفاع  
 از انقلاب و میهن جان سپرد**

سلیم شیروانی سر باز وظیفه لشکر یک حوره - تهران در سنگر  
 دفاع از استقلال و انقلاب مردم ایران بوسیله ترکش خمپاره  
 مزدوران بعثی به شهادت رسید . سلیم شیروانی در سن بیست  
 سالگی جان باک و غون سرخ خود را برای آبیاری و نفع مردم کرد  
 نهال استقلال و انقلاب هدیه ملت ایران کرد . سلیم که شهید  
 ۵۹ به سر بازی رفته بود ، در ۲۲ اسفند ۵۹ دا وظیفه هدیه بیست  
 دزفول - دهلران رست و در تاریخ ۱۸ فروردین ۵۹ به شهادت  
 رسید . او دوران تحصیل خود را در روستای مادر سلیمان گذار  
 ده و با تلاش و دین را ز گرفت . او سمونه کانی از فرزندان  
 زحمتکش استا بر ضرورت وطن پرست بود . سلیم شیروانی که قلب  
 صوفی لبریز از عشق به مردم زحمتکش و استقلال و آزادی خلیسی  
 عزت بود با هوا شین مزدور منجا بیروطن فریاد می کرد و هر کس  
 و نا مرغان بعثتی خان شاهلای زیبا دداشت .

سلیم سر شدی زحمتکش از منجا روحکمان عا بروروستن  
 بود . سلیم با کار کردن و زحمت کشیدن رفیق بود . وی کسار در  
 مزرعه و زحمت کشید . را از منجا رهنما سب . سلیم در این بیگاری  
 که رکن در کنوا زه کارگر شدن با روحای شویای خود بر اوسان  
 در آوردن عا رنداشت . سلیم شیروانی از جوانان آگاه و  
 وی در گروه حق دهقانان زحمتکش و پیشانی از با زه خوش  
 نشینان و دهقانان سر علیه کل مالکانی مانده من علی حسان  
 ضرا می دهوا ره پیشرو بود . سلیم در مسا زه بر علیه رژیم ضعیف  
 منجا بشکا ریهلوی فعال بود و در اکثر نظا هراتها و منسا زات در  
 روستایش مادر سلیمان در رودت و در عمار شرکت میکرد . سلیم  
 از ضد انقلابیون تا زه بدوران رسیده حزب جمهوری اسلامی و  
 ها رودت به پیشی کینه عمیقی بدل داشت . سلیم در عین اینکه  
 بر علیه بعثتی و رستمنا شی و رختی و حزب جمهوری اسلامی در  
 حد آگاهش مبارزه میکرد سنگر دفاع از وطن و انقلاب را فرا  
 نگرد . سلیم شیروانی گرد جوان و انقلابی نمونه خوبی بسرا  
 تمام کسای است که به وطنان و انقلاب و آزادی عشق دار  
 هر با شست .

" باران دهقانان انقلابی ما رس " شهدان حسین شیری  
 را نوا ده و تمام مدوستان شش شهادت و شهدا هوش در سنگر  
 شکر یک میگوید .

رسم و آرای بی همیشه نما بسند کسرد  
 ما بسرحان دادن اندیشه سجا به کسره  
 صودی شیری از عشق گر مراد شیر شست  
 آسوده گذر در گزین همیشه نما بسند کسرد  
 بخشی از اعلامیه " باران دهقانان انقلابی ما رس "

گزارشی از برخورد.....  
 فضا میروان از دو هم در زحمتکش دید . دو آب و میا و غیره نسبا  
 بهال کمتری کمی حتی دیما ری به این جنگ زگان در این  
 روستا نکرده اند و اینها جات این زحمتکش از آوازه یا از طریق  
 روستا شیان دولت آبا در مع میشود با خودشان . در ملی با شیری  
 روستان که فصل در کردن چه رفتند دولت آبا دی ها آوارگان  
 را همراه خود به سر کار میبردند و به آنها در کردن چند را بیستاد  
 دادند تا بترا نمیدای او رگان بولی از طریق زحمت کشیدن خود  
 بدست آورند . دولت آبا دی های کمک ها را ده داده ان مصی -  
 داننده بلکه وظیفه خود میدادند . این کمک ها به آوارگستان  
 را در سباله کمک های خود به امرا در سنگر جبهه های شیری  
 ما میدادند . این زحمتکشان بفرمی به در روستا شیان منسرب  
 هوزستان شیا آشنا هستند . بر خورد این زحمتکشان به جنگ  
 سمنه خوبی از برخورد مردم زحمتکش به مسئله آوارگان جنگی  
 است . انوان و انسا ر حزب جمهوری اسلامی و دولتیان جمهوری  
 اطلاق که با ناوردمنه چا مدارا نشان ما مشهرازی و غیره  
 در ایجا دهلوا و شوب و سر کوب آوارگان آگاه خورسانیا دارند  
 سهم وجه ضعیفگی و همدردی زحمتکشان و مردم آوار و مردم  
 صاف حق پشت جبهه را نمی سوا نند خنده دار کنفید زحمتکش  
 مسوولانهای دولت است ایضا همیشه زحمتکشان

خبرهایی از  
کردستان

۶۵/۲/۱۱ بمنا سبت روزگار و گروهها دست مطهری تظا هراتی  
دولتی در حدود ۳۰۰ نفر مرکب از با سداران، نگارندهان، قهر بر روی  
و عده ای از کارگران، جها دوجنده نظرا از "خوا هران زمین" ترتیب  
باقت که از میدان آزادی تا مسجد جامع سنندج راهپیمایی  
نمودند.

۶۵/۲/۷ در طی این هفته دو بار به سنندج آمد، به یکبار در  
تا ریخ ۶۵/۲/۷ و بار دوم در تا ریخ ۶۵/۲/۶. تا سیرده در طی مدت  
اقتا محض در سنندج از سیاه، آرش، جها دویکی، دو موله قیصر نشین  
شهر دیدن کرد. (در روز چهارشنبه ۶۵/۲/۹ به محله عباس آباد که  
مقر پیشمرگه های مملکت است و مردم زیادی نبودند و فقط سر به  
مقر زد و هم چنین محله "شریف آباد" هم مقرا است و آنجا هم از مقرر  
بازدید کرد.) چهارشنبه ۶۵/۲/۹ در مسجد جامع در حضور عده قلیلی  
از نیزه های مسلح و جها سطرانی کرد. در طی سطرانسی  
نبردهای سیاسی و فقی زاده را مورد حمله قرار داد.

۶۵/۲/۶ بمنا سبت شهادت دوستن از کارگران در مابا سب  
جها دما زندگی بدست با سداران در تا ریخ ۶۵/۲/۵ از سب سرف  
دانش آموزان دبیرستان دخترانه نوبنیاد تظا هراتی در محو  
له مدرسه برگزار گردید و کلاسها در طی این مدت تهریم گردیدند  
و اطراف آنجا شعارها را با این ترتیب دادند:

"شیمپریا لیمزنا مریکا به ها و به ش شورتیج به ها ک و هو پس  
نه کیشی ده مورگه لاتی شیمپریا"  
امپریا لیمزنا مریکا به ها کاری ار شجاع به ها ک و خون می گند  
تخام خلفی سبای دینسا را  
"جها دما زندگی، "تھا دا انقلابی" زهنگان ما را با ها ک و خون  
می کشند."

"کشتر کارگران، سرکوب زحمتگان، این است اعمال زمینان"

۶۵/۲/۱۰ در این روز در دبیرستان نوبنیاد تظا هراتی  
بمنا سبت روزگار (علی رغم تعطیل بودن مدارس دو جمعه) سب  
حضور ۱۰۰ نفر از دانش آموزان برگزار شد که طی آن پس سب  
خوا شدن سرود ملی "دهی ره قیما" و "به کی به بار" (اول ماه مه)  
شعارها را با این ترتیب بر دادند:

"گر بگا ره به ره، جووتها ره روره، کار و کوی بگا ره، زه رین سب  
جووتها ره ریزی قیزی کوی بگا ره بروخی شیمتسا و"  
(کارگر ره راست، دهقان سرور است، کار برای کارگر، زمین  
برای دهقان، با با را دسپوری کارگر، تا سرور بیزد  
استد سب سار)

"ما همه متحد می شویم تا برکتیم ریشه" استیفا د، دروه، دروه، دروه، دروه  
بر کارگر، ای کارگر، ای کارگر، ای دهقان با مشت خود بیلزبان  
بخت سب سگران را"

۶۵/۲/۱۲ در این روز در شهرستان صنعتی در سب سب  
مدرسه دانش آموزان جمع شده و سبت سبت چهاردهمین سالگرد  
شهادت اسما لیل شریفزاده و سالگرد روز معلم سرودهای انقلابی  
خوانده شد و پیروا زهنگان سب سب کلاسیا تعطیل کردند.

۶۵/۲/۷ روز سه شنبه ساعت ۸/۱۵ با منسبه ای وارد  
روستای "دزلی" (یکی از روستاهای اطراف چریوان) میشود. پس  
از نیم ساعت گفتگو با ارتشیان و با سداران محضر در این روستا  
تصمیم میگردد که بمنظور "تقویت روحیه" افراد مستقر در محله های  
"زالان" و "گدل نهته" (دو با بگا تظا می در مرز عراق و نزدیک سبک  
"دزلی") به آنجا برود. اما انطفا رچندتوب ختمه شده در اطراف  
دزلی تا سیرده را از این تصمیم "تا ریخی" منحرف می نمایند. در  
ساعت ۹/۵ هنگامیکه ما محله "تهران" قدمه زیمت به سب سبوان  
را داشت، یک هواپیمای سنا سبای عراق بر فراز روستا سبای  
دزلی به پرواز در آمد و ۱۰ دقیقه بعد دو میگ و یک هواپیمای  
سوخو ۱۲ را کت مطرف روستا های "دهرگی" و "دزلی" شلیک سبک  
کردند بطوریکه به هر یک از روستا های مزبور ۶ راکت اما سبست  
نمود. در روستای دزلی ۵ نفر از مردم شهید شده (دو مرد و دو بچه و  
یک زن) و ۱۶ نفر تظا می و غیر تظا می زخمی گردیدند. در  
"دهرگی" هم ۴ نفر شهید و چند نفر زخمی میشوند. جها دما ای که در  
این هنگام جها رکب و منرا از روستا دور شده بود، برای ان سب سب از  
چند چون جریبان باز میگردد و با دیدن صحنه بدون منطقی سب سب  
را بر قرار تر صبح میدهد. این اولین بار است که بین روستا ها  
مورد حمله "هوا ش" بعضی ها قرار میگیرند. گویا با سب سبای  
منطقه "سب سبوی" از خالی کردن چند کلو کت می کنند و عراقی ها  
با احتفا ده از این فرمت به راحتی این روستا ها را به راکت  
می بندند. هنگامیکه عده "خدا ش" در مورد حمله با با سب سب  
هوا ش مورد سبوان قرار میگیرند، عده اشها ر کت سبک  
هفته است در خوا مت می کنند که خدا ش را تهریم کنند اما کسی  
گوش به این حرفها به ها کت نیست. البته در روز بعد سب سبای در  
تا ریخ ۶۵/۲/۹ یک خدا ش جدید در منطقه "سب سبوی" می گردد.

۶۵/۲/۶ روز ۶۵/۲/۶ در این روز در گورستان شهدا (تا سب سب)  
مرا سب سبت سبت سالگرد شهادت یکی از هرا داران مجا سب سب  
طبق که در هنگام تعطیلی سال گذشته، سنندج به شهادت رسیدند  
بود ترتیب باقت. در این مراسم که با حضور عده ای از سواداران  
مجا سب سب برگزار می شد سرودهای خوانده شد و چند دسته گیل روی  
شهر سب سب از شهدای کوه که گذا شدند، در همین روز از سب سب سرف  
دختران دبیرستان چریوان احتفا می تظا هراتی به پیششها سبای از  
دو نفر کارگری که در جریبان تها جم با سداران و مزدوران مملکتی  
(جها شها) در روز ۶۵/۲/۵ به شهادت رسیدند، بر آه انداختند. در  
این تظا هرات سرودهای انقلابی خوانده شد و شعارها را از سب سب سب  
"کار برای کارگر" و "دهرگی" دبیرستان کورش سب سب (شهرام  
شمکی) نیز به همین مناسبت به خواندن سرودهای انقلابی و دادن  
شعارها را به پیشه حزب جمهوری بر دادند.

۶۵/۲/۱۰ بمنا سبت روزگار و گروهها با سب سب سب  
۱۰۰ نفر دست به تظا هرات زدند، که پس از ده دقیقه این تظا هرات  
بوسیله با سداران به هم خورد و یک نفر دستگیر گردید.



سرمقاله

بظرفه در شماره ۲۷  
کمیته ها و شهرها نمی آید که می-  
شود. هم حزب جمهوری و متحدان-  
سین و هم مملکت طلبان و ارتجاع-  
عبور همیشه از این دو مسیر است  
(ارتجاعی هستند.)  
حزب جمهوری، آنگاه رو-  
سپاز، در پی ایجاد منطقه-  
استهلاک سیاسی - با استفاده از  
واستفاده از نیروها و با بی ادبی  
بود. در نتیجه گذشته مملکت  
برآورد یک مملکت رده بندی با  
تربیت نالین و انگلیسی برای  
راه اندازی ایران با سوسیال  
با اما رسید و همسایه از آن  
انها را بی اطلاعی کرده است. (آبادی  
برگزیده) حزب جمهوری در ایران  
با سوسیال و وزارت صنایع و  
معادن در این ماجرا دستگیر  
دانستند. ولی چنانچه بهر سبب  
سپری در زمانه مملکت است  
هفته گذشته شدگان گامی از این  
ما چرا اظهار بی اطلاعی می-  
شما کنید؟! روند جنگ استدازی  
ایمانی دولتی و سیاسی برافشاند  
مملکت همچنان غلبه شده است  
که حتی هفته نامه "است" نیز  
دانش در آمد: "حقیقت سال  
ما زمان استهلاک اسلامی که بکند-  
تا زودتر مرتجعان را بیدار کند، کم  
ببین برهنگان و شده است  
(و این است) فدا در پی تحلیلی  
از این امر نیست و رابطه این  
استهلاک و در نتیجه اقتصاد  
با استهلاک و در پی استهلاک  
را در پی با بدست "حقیقت" ( )  
اما مملکت انکال این سازمان  
این نیست که سوسیالیستی به جهت  
رده است و مملکتی هم سوسیالیست  
هستند است... و "در شرایط

کشوری سازمان اقتصادی  
با اصلاح اسلامی... مملکت  
تجارت کشور را گرفته است.  
سرمایه داران و کارگران با هم  
و عدوان با بی که طبقه در خدمت  
و اجتناب عمل میکنند فراخوا-  
نده می شود و قرار است اداره  
سایع دولتی شده راه آنسان  
و گذار کند ("است" ۲۷/۲/۵۰)  
و...  
در چنین شرایطی است که  
"انگلیزها" بر تاسیسات و  
جیبی و مهاجمی، هر منطقه  
تسلیم می شود. آیت الله  
خاصی هم گامی برداشته است  
سیاست ارتجاعی، به این طریقی  
گری حرمی کشیده می شود. رده  
همراه آن ها شده و انقلاب نیست  
یک طرح و طرح، سنگ پل و  
آشوب مرتجعان به حرمی که فضا  
به سودا بر قدرتها و سوزده است  
یکای جاسوسی است عمل داده  
میشود. هفته گذشته و مخصوص  
است "روزگار" هر منشی  
بود که این حرکت شریع شود.  
آیت الله خاصی در پی  
بوده است "روزگار" و  
در نتیجه است که با برخی کارگران  
داشتند، علما و عملا همان خط  
"زیبون را استهلاک کرد و برای  
گروهها عمل و نشان کشیدند:  
" اینها استهلاک می-  
کنند (مطلوبه را) این-  
ها "گروهها هستند اگر  
اینها به مملکت برگردند  
که برای خودشان هم مصلحت  
است و اگر داده ها این  
استهلاک و در پی روز است  
که دیگر پیشمانی سودی  
نظر از آن روزی است  
که به مملکت تکلیف شود.  
تکلیف شرعی الهی به  
مملکت است استهلاک و  
تکلیف آخری نیست به  
اینها تعیین شود...

(جمهوری اسلامی - ۱۷)  
آردیبهشت ( )  
بسیار مدتی به مملکت  
"روزگار" هم با ما همسین  
خط را به پیش گذارد. هر سبب  
حاکم هم مصلحتی این بیاید  
مصلحتی است که در اقتصاد  
هفته گذشته بهشتی و سوسیالیستی  
اطفا را کرده بودند. "روزگار"  
گر "راه روزگار" و خط و  
شان کشی علیه گروهها تبدیل  
گردید. حزب توده و اکثریتی  
همراه آن است مرتجعان را  
زدند. هر چه در این روزگار  
ارتجاعی "اما ما گرفتار  
دست. مملکت است می کند. با  
دشمنان داخلی است که  
میکنند: "ارتجاعی است-  
هر آنها در راه ایران علم  
گردند. مسواکی ارتجاعی این  
شما زودتر از ما به حزب جمهوری  
و همدان ارتجاعی این بر می آید.  
در حالیکه پیش و سبب از مملکت  
در شمال سوسیالیستی است  
است. در حالیکه مملکت  
آمریکا به رژیمها و کار  
پیشمانی عادی و مملکت  
مصلحتی به در حالیکه مملکت  
انقلاب از طرف سوسیالیستی  
آمریکا به در حالیکه ارتجاعی  
منه است. حزب جمهوری اسلامی  
و مملکتی های نوده ای و اکثریت  
بسیار خواهان احاره جهاد  
و فتح و فتح نیروهای داخلی  
هستند. آنهم به سوسیالیستی  
ارتجاعی داخلی است که عملا  
آنها هم هگی دارند. بلکه  
نیروهای انقلابی و ترقیخواه  
داخلی در حالیکه انقلاب  
ترک و عراق و فلسطین و پاکستان  
در حالیکه مملکت آمریکا  
است. در حالیکه مملکت  
ما مملکت آمریکا در داخل است  
بلوچستان و فارس و... است  
آشوبگری مملکت است

"فدا سوسیالیستی" ( ) جمهوری  
اسلامی و احزاب روسی و توده و  
فدا شیان اکثریت در پی فتح و  
فتح نیروهای انقلابی و ترقی-  
خواه داخلی هستند و مطالبه ها  
و پیشروهای جناحی روزگار  
شان و عملشان هگی علمی  
گروههای داخلی است. بی-  
حیث نیست که مملکت سوسیالیستی  
جمهوری اسلامی، دولت ارتجاعی  
و متحدان آن (متحدان روس  
سرستان) دست بر خورند  
مملکت آمریکا را از دست  
بسیار نیست که مملکت  
جمهوری و متحدان آن است  
جمهوری نشانی که مملکت  
در مملکت است. بهشتی  
شرح و طرح و طرح ارتجاعی  
دل مملکت است  
و این نوشته "عظیم  
انقلاب ایران در زیره مملکت  
مملکت است - بعضی مملکت  
آمریکا ( ) - صورت مملکت  
ها نیست و مملکت است  
شرایع اسلامی شان دروغ است  
داری تحویل مملکت مملکت این  
ناخت و نا ارتجاعی را نوجیب  
کنند. نوه کنده که قدر و  
مصلحت می کنند: "بر اساس  
که در مملکت از مملکت  
آلمان گروه مملکت، رضی  
بهنوی، قاسم، نما مملکت  
عراق و مملکت از مملکت  
خلق و گروههای دیگر جمع شده-  
اند و نوشته "بها دا شوب  
در ایران را یافته اند..."  
(جمهوری اسلامی - ۱۷ آردی-  
بهشت ۵) خود دست همه مملکت  
سهمین را بازی میکنند و آن  
به مملکت و گروههای انقلابی  
نسبت می دهد: خود را با مملکت  
استهلاک است این گروههای  
سلطنت طلب و فدا طلبی قرار-  
دادهای سنگین امضا میکنند.  
بظرفه در شماره ۲۷

سختگویی علیه فدا شیان اکثریت آشکارا دست حزب را سازی میکند، کمیته های  
حزب سوسیالیستی ها را از مملکت باسی که تاکنون کرده اند مملکت سوسیالیستی  
و قتل و جرح ها بی که تحت لوای "مملکت" و "اسلام" و... است مملکت را به گروه های  
"فدا نون" نسبت میدهد. این استهلاک سوسیالیستی - عملی با همه فدا شیان و سوسیالیست  
سوسیالیست!! سواک بازی به فدا شیان اکثریت مبارک باد!!









